

ضرب المثل‌های شیرین فارسی

مؤلف:

مهندس بهنام ریگی لادز

www.ketab.ir

- سرشناسه : ریگی لادز، بهنام، ۱۳۶۷ -
- عنوان و نام پدیدآور : ضرب المثل های شیرین فارسی / مولف بهنام ریگی لادز.
- مشخصات نشر : تهران: پندار قلم، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : ۲۹۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۰۳-۸۳-۲
- وضعیت فهرست : فیا
- نویسی
- موضوع : ضرب المثل های فارسی
- موضوع : Proverbs, Persian
- موضوع : ضرب المثل های ایرانی
- موضوع : Proverbs, Iranian
- موضوع : ضرب المثل های ایرانی -- داستان
- موضوع : Proverbs, Iranian - Fiction
- رده بندی کنگره : IR ۹۶۷ ۹۸۳ ۹۴۹ / ۹
- رده بندی دیویی : ۹۳۹/۹
- شماره کتابشناسی : ۵۶۰۹۱۶۷
- ملی

ضرب المثل های شیرین فارسی

نویسنده: بهنام ریگی لادز

انتشارات: پندار قلم

تهران-۱۳۹۷

چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قطع: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۰۳-۸۳-۲

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

ضرب‌المثل یا زبانزد گونه‌ای از بیان است که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. بسیاری از این داستان‌ها از یاد رفته‌اند، و پیشینه‌ی برخی از امثال بر بعضی از مردم روشن نیست؛ باین‌حال، در سخن به‌کار می‌رود. شکل درست این واژه «مَثَل» است و ضرب در ابتدای آن اضافه است. به عبارت دیگر، «ضرب‌المثل» به معنای مَثَل زدن (به فارسی: داستان زدن) است. در مورد پیدایش و رواج امثال و اصطلاحات مثلی هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. جملاتی که امروزه به عنوان امثال و حکم شناخته شده و در تکلم عموم جاری است، ابتدا گفتار لحظه‌ای و تپش برق‌آسای اندیشه انسان سخن‌گو بوده که به لحاظ مؤثر بودن، دقیق بود و دلنشین بودن آن در ذهن شنونده حک و سپس تکرار شده است. اولین گوینده یک عبارت، کسی به همان اندازه ناشناس است که گویندگان و نویسندگان اشعار فولکلوریک و ادب‌ایرانی. کتب مقدس مانند تورات، انجیل و قرآن نه تنها یکی از سرچشمه‌های امثال پند و اندرز می‌باشند بلکه بسیاری از امثال و حکم و اصطلاحات مثلی نیز این منابع را از خود برده‌اند. اگر اناجیل عهد عتیق و عهد جدید را به عنوان منبع امثال و حکم و اصطلاحات مثلی شناخته‌اند، به دلیل ترجمه آگاهانه آن به وسیله نابغه زبان آلمانی، دکتر درتین لوتر* است. ترجمه لوتر یک برگردان تحت‌اللفظی نیست بلکه تولدی دیگر از کتب مقدس مسیحیان است که عناصر فرهنگی و ادبیات مردم آلمان (اروپا) در آن مؤثر بود است. به روایتی دیگر، مارتین لوتر ابتدا انجیل را آلمانی کرد و پس آنگاه به مردم آلمان هدیه نمود. شایان ذکر است که حیات امثال و حکم به دوران قبل از کتابت و نوشتارهای ادیبانه باستانی رسیده که بعداً به صورت نقل‌قول از گفتارهای ناب نوشته در ادبیات عتیق ملل متمدن ضبط شده‌اند. کتیبه‌های متعلق به سومری‌ها که با خط میخی نوشته شده، حاوی امثال و حکمی هستند که محققین «زبان‌شناس» به کشف و ترجمه آن توفیق یافته‌اند. با توجه به مطلب فوق، هر اثر ادیبانه‌ای که ضابط امثال و حکم باشد، نباید بدون تحقیق و بررسی، منشأ و مبدأ آن مَثَل تلقی گردد. بسیاری از امثال پیش از اینکه در آثار نویسندگان یا شعرا ظاهر شوند، مدت‌ها در زبان و گویش عامیانه مردم

رایج و سایر بوده و همانند افسانه‌ها و قصه‌ها، سینه به سینه نقل شده‌اند. در کنار منابع شفاهی و گویشی، اهمیت ضبط و نگارش ادبی امثال و حکم، امثال سایره و اصطلاحات مثلی را نباید نادیده گرفت. از این طریق نیز بسیاری از اشعار مردم‌پسند به لحاظ تکرار مداوم و انتشار آن‌ها در دور و نزدیک، به قلمرو امثال و حکم راه یافته و با اقبال مردم مواجه شده‌اند. اکثر قریب به اتفاق امثال و حکم اروپایی، ریشه در ادبیات قدیم یونان، روم و همچنین انجیل عهد قدیم و جدید دارد. قرن بیستم نیز زمینه‌ای بسیار مناسب برای ایجاد مثل و عبارات مثلی به وجود آورده‌است. امثال و حکم و اصطلاحات مثلی متولد در قرن نوزده و بیست، در زبان‌های غیر اروپایی نیز رواج یافته‌است. در سال‌های اخیر به لحاظ توسعه تبلیغات و آگهی‌های تجاری و استفاده از امثال به منظور کسب اعتبار برای کالاهای تجاری، و نقش رسانه‌های گروهی، اصطلاحات و امثال بسیاری به منصفه ظهور رسیده، بنابراین دوران طرح و انتشار امثال و حکم به سر نیامده‌است. در کتاب حاضر حدود دویست ضرب المثل پرکاربرد در زبان فارسی ذکر شد و تزییناتی آن‌ها به رشته‌ی تحریر درآمده‌است.

فهرست مطالب:

- ۱- دزد باش و مرد باش ۱۵
- ۲- هم خدا را میخواهد، هم خرما را ۱۷
- ۳- از تو حرکت از خدا برکت ۱۸
- ۴- این شتر را جای دیگری بخوابان ۱۹
- ۵- شتر دیدی، ندیدی ۲۰
- ۶- گندم از گندم بروید جو زجو ۲۱
- ۷- مرغش یک پا دارد ۲۲
- ۸- شریک دزد و رفیق فافد ۲۳
- ۹- تربیت ناهل را چون گردن بر گنبد است ۲۶
- ۱۰- یک دست، صدا ندارد ۲۷
- ۱۱- باد آورده را باد می برد ۲۹
- ۱۲- با طناب کسی توی چاه رفتن ۳۰
- ۱۳- مگر اینجا شهر هرت است؟ ۳۰
- ۱۴- هم از گندم ری افتاد، هم از خرما ی بغداد ۳۱
- ۱۵- با یک تیر دو نشان میزند ۳۳
- ۱۶- گربه دستش به گوشت نمیرسید می گفت بو میده ۳۵
- ۱۷- قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود ۳۶
- ۱۸- گربه را دم حجله کشتن ۳۶
- ۱۹- خاربرده رنج گنج میسر نمیشود ۳۷
- ۲۰- دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید ۴۰
- ۲۱- خر بیار و باقالی بار کن ۴۲

- ۴۲- گدا به گدا رحمت به خدا..... ۴۲
- ۴۳- این راه که تو میروی به ترکستان است..... ۴۳
- ۴۴- جوجه را آخر پاییز می‌شمارند..... ۴۳
- ۴۵- شاه می‌بخشد، وزیر نمی‌بخشد..... ۴۵
- ۴۶- دیوار موش داره، موش گوش داره..... ۴۶
- ۴۷- فکر نان باش که خریزه آب است..... ۴۸
- ۴۸- هر که بامش بس، دفش بیشتر..... ۴۹
- ۴۹- لنگه کفش در بیابان نعمت است..... ۵۰
- ۵۰- خر ما از کرگی دم داشت..... ۵۱
- ۵۱- آسیاب به نوبت..... ۵۹
- ۶۱- بزرگی به عقل است نه به سال..... ۶۱
- ۶۲- خواستن توانستن است..... ۶۲
- ۶۳- مار از پونه بدش میاد در لونه‌هاش سبز میشه..... ۶۳
- ۶۴- چو مردی بود کز زنی کم بود..... ۶۴
- ۶۵- علف باید به دهن بز شیرین بیاد..... ۶۵
- ۶۶- بالاتر از سیاهی رنگی نیست..... ۶۶
- ۶۷- بلکه را کاشتند سبز نشد..... ۶۷
- ۶۷- صد رحمت به دزد سرگردنه..... ۶۷
- ۷۰- حساب، حساب است کاکا برادر..... ۷۰
- ۷۰- آتش نخورده و دهان سوخته..... ۷۰
- ۷۱- کاری که عوض داره گله نداره..... ۷۱
- ۷۲- نه سر پیازم و نه ته پیاز..... ۷۲

- ۴۴- یک گل بهار نمیشود ۷۳
- ۴۵- سواره از پیاده خبر ندارد، سیر از گرسنه ۷۴
- ۴۶- محتسب در بازار است ۷۵
- ۴۷- گدازاده، گدازاده است تا چشمش کور ۷۷
- ۴۸- دیگ به دیگ میگوید رویت سیاه ۷۸
- ۴۹- به مالت نواز به شی بند است به حسنت نواز به تی بند است ۷۸
- ۵۰- نان خرش هم از گلویش پایین نمی‌رود ۸۰
- ۵۱- در کار خد حاجت هیچ استخاره نیست ۸۴
- ۵۲- هیچ گرانی بی قیمت نیست، هیچ ارزانی بی علت ۸۵
- ۵۳- دعوا سر لحاف ملا بود ۸۷
- ۵۴- آقا گرگ عیدت مبارک! ۸۸
- ۵۵- آب که از سر گذشت چه یک وجب چه دو ۸۹
- ۵۶- مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد ۸۹
- ۵۷- پا را به اندازهی گلیم خود دراز کن ۹۰
- ۵۸- از این ستون به آن ستون فرج است ۹۱
- ۵۹- از آنهاست که نان را پشت در میمالند ۹۱
- ۶۰- مرا به خیر تو امید نیست، اما شر مرسان ۹۲
- ۶۱- کوتاه خردمند به که نادان بلند ۹۳
- ۶۲- جز راست نباید گفت؛ هر راست نشاید گفت ۹۴
- ۶۳- خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو ۹۴
- ۶۴- بار الاغ را که بردارند، پالانش را هم به مقصد نمی‌رساند ۹۵
- ۶۵- برو ماستت رو کیسه کن ۹۶

- ۶۶- موش تو سوراخ نمیرفت چارو هم به دمش میست ۹۸
- ۶۷- دیزی می غلتد درش را پیدا می کند ۹۹
- ۶۸- نان گدایی را گاو خورد دیگر به کار نرفت ۱۰۱
- ۶۹- شده ملانصرالدین الاغی را که سوار شده حساب نمی کند ۱۰۲
- ۷۰- کلاغه می خواست راه رفتن کبک را یاد بگیرد، راه رفتن خودش را هم فراموش کرد ۱۰۴
- ۷۱- قوز بالا قوز ۱۰۵
- ۷۲- این به آن د ۱۰۶
- ۷۳- از پشت خنجر زد ۱۰۸
- ۷۴- از کیسه خلیفه می بخشد ۱۰۹
- ۷۵- راز دل به زن مگو ۱۱۴
- ۷۶- اشک تمساح ریختن ۱۱۵
- ۷۷- روی یخ گرد و خاک بلند نکن ۱۱۶
- ۷۸- نه هرچه به قامت مهتر به قیمت بهتر ۱۱۸
- ۷۹- زد که زد خوب کرد که زد ۱۲۰
- ۸۰- زین حسن تا آن حسن صد گز رسن ۱۲۱
- ۸۱- هر که چاهی بکنه بهر کسی اول خودش دوم کسی ۱۲۲
- ۸۲- معما چو حل گشت، آسان شود ۱۲۳
- ۸۳- هیهات. هیهات ۱۲۴
- ۸۴- میرزا میرزا رفتن ۱۲۵
- ۸۵- راوی سنی است ۱۲۶
- ۸۶- سر و گوش آب دادن ۱۲۷
- ۸۷- کار نیکو کردن از پر کردن است ۱۲۸

- ۸۸- آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است ۱۳۱
- ۸۹- چرا عاقل کند کاری که بعد آرد پشیمانی ۱۳۱
- ۹۰- کوه به کوه نمیرسد آدم به آدم میرسد ۱۳۲
- ۹۱- از خجالت آب شد ۱۳۵
- ۹۲- با همه بله، با ما هم بله ۱۳۵
- ۹۳- آدم گرسنه سنگ را هم می خورد ۱۳۸
- ۹۴- کله اش بوی قرمه سبزی میدهد ۱۳۹
- ۹۵- خدا کرد را تدبیر نیست ۱۴۱
- ۹۶- اگر من مریض بودم، کوه منم گردنم ؟ ۱۴۲
- ۹۷- حکیم باشی را درر کند ۱۴۳
- ۹۸- هرکه نقش خویش می بیند در آب ۱۴۵
- ۹۹- ریگی به کفشش است ۱۴۶
- ۱۰۰- جوینده یابنده است ۱۴۷
- ۱۰۱- خودم جا، خرم جا ۱۴۹
- ۱۰۲- درختی را که در غیر فصل بار بدهد، باید از ریشه درآور ۱۵۱
- ۱۰۳- زیر کاسه نیم کاسهای است ۱۵۲
- ۱۰۴- بارگهش را آب برده ۱۵۳
- ۱۰۵- چراغی که ایزد بر فروزد ۱۵۴
- ۱۰۶- کلاهش پشم ندارد ۱۵۵
- ۱۰۷- دست به آسمان برداشتن ۱۵۶
- ۱۰۸- دیگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم تا دیگران بخورند ۱۵۷
- ۱۰۹- دست بر آسمان برداشتن ۱۵۹

- ۱۱۰- از هول حلیم افتاد تو دیگ..... ۱۶۰
- ۱۱۱- مثل سنگ پشیمان است..... ۱۶۱
- ۱۱۲- حنار جگر سفره قلمکار نمیخواد..... ۱۶۳
- ۱۱۳- فواره چو بلند گردد، سرنگون شود..... ۱۶۳
- ۱۱۴- توبه‌ی گرگ مرگ است..... ۱۶۶
- ۱۱۵- کاه بده، کالا بده، یک قاز و نیم بالا بده..... ۱۶۸
- ۱۱۶- عدو شود، بب خیر اگر خدا خواهد..... ۱۶۹
- ۱۱۷- پنبه دزد، دست به ریش میکشد..... ۱۷۱
- ۱۱۸- کسی قدر عافیت اندک به مرضی گرفتار شود..... ۱۷۲
- ۱۱۹- نعل وارونه می‌زنه..... ۱۷۲
- ۱۲۰- بیله دیگه، بیله چغندر..... ۱۷۴
- ۱۲۱- چون غرض آمد، هنر پوشیده شد..... ۱۷۵
- ۱۲۲- ملا، خدا بد نده..... ۱۷۶
- ۱۲۳- حاجی ما هم شریکیم..... ۱۷۸
- ۱۲۴- دست بالای دست بسیار است..... ۱۷۹
- ۱۲۵- بز نم به تخته..... ۱۸۰
- ۱۲۶- عیسی به دین خود، موسی به دین خود..... ۱۸۰
- ۱۲۷- سنگین برو، سنگین بیا..... ۱۸۲
- ۱۲۸- گر ملک این است و همین روزگار..... ۱۸۳
- ۱۲۹- بابات هم همین زبان درازی‌ها را داشت که مجبور شدم بخورمش..... ۱۸۵
- ۱۳۰- کلاهت را قاضی کن..... ۱۸۷
- ۱۳۱- مزدگانی که گریه ما عابد شد..... ۱۸۸

- ۱۳۲- گریه و موش با هم ساختند، وای به حال بقال ۱۹۰
- ۱۳۳- مغز خر خورده ۱۹۳
- ۱۳۴- عزرائیل در خانه‌اش قدم می‌زند ۱۹۳
- ۱۳۵- به آن نشانی که خودم آدمم دوغم ندادی، نوکرم می‌آید ماستش بده ۱۹۵
- ۱۳۶- تغاری بشکند ماستی بریزد ۱۹۶
- ۱۳۷- شکم گرسنه ایمان ندارد ۱۹۷
- ۱۳۸- بخیل سومی را خدا بکشد ۱۹۸
- ۱۳۹- بک بک، گنجشک مفت ۲۰۰
- ۱۴۰- با شیطان ارزش داشتم ۲۰۰
- ۱۴۱- سرم را سرتی تراش ای استاد سلمانی ۲۰۲
- ۱۴۲- آستای پنبه‌زن پنبه‌ات را بزن در چه دیدی دم نزن ۲۰۴
- ۱۴۳- از چاله در آمدن و به چاه افتادن ۲۰۴
- ۱۴۴- نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعت این است ۲۰۵
- ۱۴۵- دست بده ندارد ۲۰۶
- ۱۴۶- دم روباه از زرنگی در تله است ۲۰۸
- ۱۴۷- انگشت مَبر تا خیک خیک نریزی ۲۰۹
- ۱۴۸- دوباره بسم الله ۲۱۰
- ۱۴۹- رمال اگر غیب می‌دانت، خود گنج پیدا می‌کرد ۲۱۲
- ۱۵۰- کوراوغلی می‌خواند ۲۱۴
- ۱۵۱- دل به دل راه دارد ۲۱۶
- ۱۵۲- چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد ۲۱۸
- ۱۵۳- اول رفیق آخر طریق ۲۱۹

- ۱۵۴- آش رشته، آن طرف رودخانه هم می‌آید ۲۲۱
- ۱۵۵- حرفهای بند تنبونی ۲۲۱
- ۱۵۶- با مردن یک میراب، شهر بی آب نمیمانند ۲۲۲
- ۱۵۷- راه بزن راه خدا هم ببین ۲۲۳
- ۱۵۸- تو نخندی من بخندم؟! ۲۲۶
- ۱۵۹- اگر رفیق شفیقی، درست‌پیمان باش ۲۲۷
- ۱۶۰- دوست آن باشد که به تو راست گوید، نه آن که دروغ تو را راست انگارد ۲۳۰
- ۱۶۱- آن ریشی نه گرو می‌گند این نیست ۲۳۱
- ۱۶۲- کار از محکم کاری عیب میکند ۲۳۲
- ۱۶۳- روباه و مرغهای قاضی ۲۳۳
- ۱۶۴- خدا از سلطان محمود بزرگ‌تر است ۲۳۴
- ۱۶۵- بوق سگا ۲۳۵
- ۱۶۶- بار کج به منزل نمی‌رسد ۲۳۷
- ۱۶۷- ناخوانده به خانه خدا نتوان رفت ۲۳۷
- ۱۶۸- گاو بندی ۲۳۹
- ۱۶۹- خرج اتینا ۲۴۰
- ۱۷۰- بهلول و خرقة، نان جو و سرکه ۲۴۱
- ۱۷۱- ضرر به مال بخورد نه به جان ۲۴۲
- ۱۷۲- برو کشتو بساب ۲۴۳
- ۱۷۳- خدا شری بدهد که خیر ما در آن باشد ۲۴۴
- ۱۷۴- مرده ناصرالدین‌شاه را می‌زنی؟! ۲۴۶
- ۱۷۵- دانه دیدی، دام ندیدی ۲۴۸

- ۱۷۶- دوستی با مردم دانا نکوست ۲۵۰
- ۱۷۷- خاک بر سر ۲۵۳
- ۱۷۸- عجب کشکی ساییدم ۲۵۴
- ۱۷۹- بابای شما حلاج گرگ شده ۲۵۵
- ۱۸۰- آشی برایت بپزم که یک وجب روغن رویش باشد! ۲۵۵
- ۱۸۱- با دم کنده رفتیم، اما شما هم ده آباد کن نیستید ۲۵۶
- ۱۸۲- حرف برد یکی است ۲۵۸
- ۱۸۳- خیازه - میازه آرد، حیف بر جان آن که مُرد ۲۶۰
- ۱۸۴- چهار دیرری اختیار ۲۶۰
- ۱۸۵- اگر تو کلاغی من بچه غم ۲۶۳
- ۱۸۶- یک لحظه غفلت، یک عمر پشیمانی ۲۶۴
- ۱۸۷- اگر بشود، چه شود ۲۶۵
- ۱۸۸- گل پشت و رو ندارد ۲۶۶
- ۱۸۹- خودش را بیار ولی اسمش را نیار ۲۶۸
- ۱۹۰- دشمن دانا به از نادان دوست ۲۶۹
- ۱۹۱- از هفت خان رستم گذشته ۲۷۱
- ۱۹۲- از ترس گدایی، یک عمر گدایی ۲۷۳
- ۱۹۳- از آتشی که افروختم خودم سوختم ۲۷۴
- ۱۹۴- آواز خر در چمن ۲۷۶
- ۱۹۵- شتر را خواستند نعل کنند، قورباغه هم پایش را بالا آورد ۲۷۹
- ۱۹۶- کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من ۲۸۰
- ۱۹۷- اگر خیلی باسوادی برو خط پیشانی خودت را بخوان ۲۸۱

- ۱۹۸- همین بخشیدن‌ها مرا به این روز انداخته! ۲۸۳
- ۱۹۹- به هزار و یک دلیل ۲۸۳
- ۲۰۰- کار بوزینه نیست تجاری ۲۸۶
- فهرست منابع ۲۸۷

www.ketab.ir